قاب تلویزیون
ویژه‌نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم
شنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۰ • شماره ۷۸۹



پرداختن به فیلم‌ها در ایام جشنواره طبیعتا با حساسیت‌های بالایی برای افشا نشدن داستان فیلم‌ها همراه است اما این حساسیت‌ها نباید به تعارفات تصنعی و تعریف کردن‌های غیرواقعی بینجامد. می‌شود فیلم‌های جشنواره را به‌دقت بررسی کرد و درعین حال جذابیت آن را برای مخاطب عمومی از بین نبرد

بررسی اهمیت واقعی و جایگاه جشنواره فیلم فجر در سپهر فرهنگی کشور

چقدر مهمیم ما!



مجید فضائلی
روزنامه‌نگار

هر سال وقتی به دوره برگزاری جشنواره فیلم فجر می‌رسیم، اهالی رسانه عناوینی که برای این رویداد سینمایی انتخاب می‌کنند با تملق و بزرگ‌نمایی همراه است. مثلا می‌گویند بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی هنری سال! حال‌آن‌که در معیارهای گوناگون احتمالا این جشنواره فیلم نمی‌تواند بزرگ‌ترین رویداد باشد. از لحاظ گردش مالی، تعداد افراد و نهادهای شرکت‌کننده در رویداد، حجم مراودات اقتصادی و اندازه صنعت سینما و حتی تعداد تماشاگران، جشنواره فیلم فجر فاصله زیادی با نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران دارد. جالب است که تعداد بینندگان فیلم‌های جشنواره در ایام این رویداد، حتی از تعداد بازدیدکنندگان نمایشگاه قرآن که سال‌های پیش از کرونا در ایام ماه رمضان اجرا می‌شد هم کمتر است. همه این حرف‌ها به معنای کاستن از اهمیت جشنواره فجر نیست اما نخستین نکته‌ای که در مواجهه با این رویداد باید در نظر اهالی رسانه قرار بگیرد، واقع‌بینی درباره اندازه و اهمیت جشنواره فجر است. جالب است که جشنواره فیلم فجر حتی نمایانگر موفق‌ترین فیلم‌های سینما از نظر فروش و اکران هم نیست. در ۱۰ رتبه بالای رده‌بندی فیلم‌های ایرانی با بیشترین فروش تنها فیلم «متری شش‌ونیم» را می‌توانیم ببینیم که در جشنواره فیلم فجر حضور داشته و درخشیده و همه ۹ عنوان دیگر اساسا در جشنواره حضور نداشته‌اند! یا می‌بینیم که فیلم‌هایی طی سال‌های مختلف جوایز متعددی از جشنواره فیلم فجر دریافت کردند و حتی عنوان بهترین فیلم جشنواره فجر را دشت کردند اما هرگز رنگ اکران عمومی را به خود ندیدند.

به گمانم بازهم لازم است یادآوری کنم که این یادداشت به دنبال کاستن از اهمیت جشنواره فیلم فجر نیست و صرفا به دنبال اسطوره‌زدایی از اهمیت و اندازه و ابعاد و بازخوردهای جشنواره‌ای سینمایی هستم.

شاید بد نباشد رسانه ملی هم از چنین زاویه‌ای به موضوع جشنواره فیلم فجر ورود کند. این‌که هر سال با سررسیدن ایام جشنواره از گوشه‌وکنار رسانه ملی برنامه‌های متعددی سر بر می‌آورند تا جزئی‌ترین نکات این جشنواره و فیلم‌های حاضر در آن را منعکس کنند، متناسب با اندازه واقعی جشنواره به نظر نمی‌رسد. پخش زنده‌های مکرر از کاخ جشنواره - که امسال اسمش به خانه تغییر پیدا کرده ولی رسمش نه - حاکی از همان بزرگ‌نمایی‌ای است که عرض کردم. پوشش گسترده خبری وقایع جشنواره و حواشی آن در بخش‌های مختلف خبری هم متناسب با رویدادی نیست که حداکثر یکصد هزار تماشاگر دارد.

در این میان البته فرصتی هم برای معرفی فیلم‌ها و بازیگران در رسانه ملی ایجاد می‌شود که آن هم عمدتا خرج خوش‌وبش‌های سطحی می‌گردد. فرصت جشنواره فیلم فجر، به‌عنوان رویداد اصلی حوزه سینما در کشور، می‌تواند به فرصتی برای بحث‌وبررسی درباره موضوعات اساسی‌تر سینمای ایران معطوف شود اما در جشنواره فجر همه بیش از هر چیزی حس‌وحال مهمانی و دورهمی دارند تا یک فرصت فشرده برای فکر کردن و حرف‌زدن درباره موضوعات اساسی. بخش عمده‌ای از این اشکال البته به خود جشنواره و شکل و شمایل برگزاری آن برمی‌گردد اما در همین وانفسا هم می‌شد و می‌شود که به گونه دیگری عمل کرد. جای خالی نگاه به فیلم‌ها و سینمای ایران از منظر علوم انسانی در رسانه ملی به‌شدت احساس می‌شود.

کارشناسان اقتصاد سینما یا جامعه‌شناسان متخصص مطالعات سینما یا حتی افرادی از حوزه‌های مختلف علوم انسانی مانند روان‌شناسی و سیاست و فلسفه هستند که می‌توانند درباره آنچه در فیلم‌ها بازنمایی می‌شود بحث کنند.

حضور بازیگران و کارگردانان در برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی برای بیننده و بازیگر و فیلم شهرت به دنبال دارد اما احتمالا لقمه دندان‌گیری در اختیار مخاطبان قرار نمی‌دهد. بیننده تلویزیونی برنامه‌های این‌چنینی، گام بعدی را در پلتفرم‌های اینترنتی دنبال می‌کند و بعد هم سراغ صفحات زرد اینستاگرام می‌رود و همه این اتفاقات دور باطلی را رقم می‌زند که صداوسیما ازجمله بزرگ‌ترین بازندگان آن است.

البته پرداختن به فیلم‌ها در ایام جشنواره طبیعتا با حساسیت‌های بالایی برای افشا نشدن داستان فیلم‌ها همراه است اما این حساسیت‌ها نباید به تعارفات تصنعی و تعریف‌کردن‌های غیرواقعی بینجامد. می‌شود فیلم‌های جشنواره را به‌دقت بررسی کرد و درعین‌حال جذابیت آن را برای مخاطب عمومی ازبین‌نبرد. این روش حتما به نفع خود مخاطب است. چراکه او بهتر می‌تواند انتخاب کند و تشخیص دهد که دیدن چه فیلمی باب میلش خواهد بود و از چه فیلم و نگاهی لذت نمی‌برد.

حاشیه‌هایی مهم‌تر از متن!

اعتراض به جشنواره در دهه اخیر تبدیل به امری ثابت شده و خیلی از هنرمندان در پیش از جشنواره، پس از اعلام لیست داوران، در طول جشنواره و حتی پس از اعلام نتایج سعی می‌کنند اعتراض خود را به شکل‌های مختلف اعلام کنند. اعتراض‌هایی که حاشیه‌های فراوانی برای این رویداد ملی به وجود آورده است. البته بخشی از این حاشیه جزو جذابیت هر رویداد سینمایی و فرهنگی است اما این که شرکت‌کنندگان در یک جشنواره، ساز و کارهای اصلی آن را زیر سوال ببرند و از آن انتقاد کنند، عجیب و احتمالا منحصربه‌فرد است.

نکته بامزه این اعتراض‌ها آنجایی است که اکثر معترضین به دلیل منافع خود به جشنواره حمله می‌کنند اما به‌جای ابراز دقیق نظرات‌شان، سعی دارند آن را با مسائل سیاسی و فرهنگی گره بزنند و کلیت ساختار جشنواره را زیر سوال ببرند. اتفاق دیگری که شاهدش هستیم عدم تصمیم واحد تولیدکنندگان یک اثر است. در سال‌های اخیر شاهد این بودیم که کارگردان‌های مطرح بنا به همین جنس اعتراضات بی‌مایه از جشنواره کنار کشیده‌اند اما در عوض تهیه‌کننده‌ها مصاحبه کرد و گفته‌اند فیلم ما از جشنواره کنار نکشیده و صاحب فیلم ما هستیم نه آقای کارگردان. فارغ از اینها به نظر می‌رسد بازنده این جنس اعتراضات خود هنرمندان و صاحبان واقعی این جشنواره هستند که به دلیل منافع فردی یا باندی گاهی به آن حمله می‌کنند. ضعیف شدن جشنواره فیلم فجر موجب ضعیف شدن صنعت سینما و بدنه هنر کشور می‌شود اما مدیران فرهنگی و هنرمندان کمتر به این نکته توجه می‌کنند.